

# تفسیر هایدگر از شماتیزم و خیال در فلسفه استعلایی کانت

پرویز ضیاء شهابی\*، پریش کوششی\*\*

## چکیده

در فلسفه کانت داده‌های حسی هنگام ورود به فاهمه اندکی از کثرت فاصله گرفته‌اند اما هنوز آمادگی کامل برای اطلاق و اعمال صورتهای پیشین فاهمه را ندارند. از آنجا که صورتهای پیشین فاهمه عملی شبیه به مفهوم سازی دارند، در واقع، به یک واسطه نیاز است که این داده‌های حسی را برای اعمال صورتهای پیشین فاهمه مهیا کند. کانت معتقد است این واسطه چیزی نیست جز قوه خیال؛ عمل حاصل از این قوه همان است که اصطلاحاً کانت آن را «شماتیزم» (شاکله‌سازی) میخواند. در حقیقت قوه خیال میکوشد بین دو قوه حس و فاهمه که سختیت و تجانسی با هم ندارند پیوند و اتصال برقرار کند. بنظر هایدگر در فلسفه کانت همکاری میان حس و فاهمه، یا بعبارت دیگر زمان و مقولات، نسبت به اجزاء آن پسینی نیست بلکه بنحو تام پیشینی است. چرا اشیاء

۲۵

\* استاد گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات; [Pziashahabi@yahoo.com](mailto:Pziashahabi@yahoo.com)

\*\* استادیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر; [Parishkosheshi@yahoo.com](mailto:Parishkosheshi@yahoo.com)



بجای اینکه نباشند، موجود شده‌اند؟ شاکله‌سازی بنحو اصیلی نزد انسان صورت می‌گیرد و متعلق به ابژه خارجی نیست و این یعنی آنکه هر نوع شناخت از موجودات، مستلزم نوعی پیش شناخت است. از دید هایدگر تخیل، قوه اصلی شناخت است و حس و فاهمه نیز ریشه در تخیل دارند. همچنین تخیل با زمان نیز ارتباط دارد و به این دلیل ریشه و منشأ مابعدالطبیعه است؛ یعنی هم منشأ عقل نظری به تخیل بازمی‌گردد و هم ریشه عقل عملی. در نتیجه، میتوان گفت تلاش هایدگر بطور کلی ارتقای مباحث معرفت‌شناسی کانت به درجه هستی‌شناسی است. از نظر هایدگر ایده استعلایی به جایگاهی اشاره دارد که شرایط پیشین امکان شناخت را مشخص میکند. هایدگر معتقد است که مفاهیم نموده‌های محض هستی‌شناختی هستند نه صرفاً پدیدارهای ذهنی.

**کلید واژه‌ها:** شماتیزم، کانت، تخیل، استعلایی، ابژه، هایدگر، نومن و

فنومن

\* \* \*

مقدمه

مسئله اصلی تحقیق حاضر دیالوگ (گفتگوی) بین دو تن از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های فلسفی مغرب زمین است؛ ایمانوئل کانت<sup>۱</sup> و مارتین هایدگر<sup>۲</sup>، کانت بی‌تردید یکی از تفکران طراز اول و از محورهای تاریخ فلسفه غرب است، تا جایی که شاید بتوان تاریخ فلسفه غرب را به دو قسمت پیش از کانتی<sup>۳</sup> و پس از کانتی<sup>۴</sup> تقسیم کرد، چرا که با او چرخش عظیمی در تاریخ تفکر فلسفی غرب شکل گرفت. مهمترین اثر فلسفی کانت کتاب *نقد عقل محض*<sup>۵</sup> است که در آن

1. Immanuel Kant (1724-1804)
2. Martin Heidegger (1889-1976)
3. pre- Kantian
4. post- Kantian
5. *Critique of Pure Reason* (1781/A-1787/B)



سال دوم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۰

خطوط اصلی آراء و اندیشه‌های وی در باب مسئله شناسایی و متافیزیک گنجانیده شده است. از سوی دیگر مارتین هایدگر نیز مهمترین فیلسوف قرن بیستم است و طبعاً نمیتواند با فلسفه کانت فاقد ربط و نسبت باشد.

هایدگر معتقد است که کانت در تاریخ فلسفه غرب از جایگاه و اهمیت بسیار ویژه‌یی برخوردار است و نکته حائز اهمیت این که پس از کتاب اثرگذار وجود و زمان<sup>۱</sup> - که مهمترین کتاب فلسفی قرن بیستم محسوب میشود- عمدتاً مهمترین آثار و نوشته‌های هایدگر در مورد کانت است که از آن جمله میتوان به تفسیر پدیدارشناسی نقد عقل محض کانت<sup>۲</sup>، مسائل بنیادین پدیدارشناسی<sup>۳</sup>، کانت و مسئله متافیزیک<sup>۴</sup>، نظریه کانت در باب وجود<sup>۵</sup> و شیئی چیست؟<sup>۶</sup> اشاره نمود.

#### تفسیر هستی‌شناسانه هایدگر از فلسفه کانت

تفسیر هایدگر از کانت شاید کاملاً برخلاف اغلب تفاسیر متداول بنظر آید، چرا که هایدگر برخلاف اکثر تفاسیر موجود- که بنوعی غرض اساسی فلسفه انتقادی کانت را نفی امکان متافیزیک و تحکیم بنیادهای علوم تجربی میدانند- معتقد است که «هدف و مسئله اساسی فلسفه کانت همانا اثبات امکان ذاتی شناخت متافیزیکی و پیریزی بنیانی محکم برای متافیزیک- و نه علم- است و از نظر وی (هایدگر) کتاب نقد عقل محض کانت اساساً کتابی در باب هستی‌شناسی<sup>۷</sup> و نه معرفت‌شناسی<sup>(۱)</sup> پس از نظر هایدگر «موضوع اصلی است کتاب کانت مسئله وجودشناسی است.»

هایدگر میکوشد تا با قوت تمام از کتاب نقد عقل محض یک تفسیر هستی‌شناختی ارائه نماید. او اعتقاد دارد که برای اولین با کانت بنحو خاصی پرسش از مسئله وجود را

۲۷

1. *Being and Time (Sein und Zeit)*
2. *Phenomenological Interpretation of Kant's Critique of Pure Reason*
3. *Basic Problems of Phenomenology*
4. *Kant and the Problem of Metaphysics*
5. *Kant's Thesis about Being*
6. *What Is a Thing?*
7. *ontology*



سال دوم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۰

تفسیر هایدگر از شمانیز و خیال در فلسفه استعلایی کانت

مطرح کرد، از اینرو هایدگر تلاش کانت را «هستی‌شناسی بنیادی»<sup>۱</sup> مینامد تا آن را از سیستم‌های هستی‌شناسانه رایج متمایز نماید، هرچند باید توجه داشت که هایدگر «تحقیق خود در کتاب وجود و زمان را نیز هستی‌شناسی مینامد».<sup>(۲)</sup>

کانت در کتاب خود به این پرسش پرداخته است که شناخت ما از موجودات- شناخت تجربی- چگونه میسر میشود؟ مقصود هایدگر از معرف هستی‌شناسانه نیز نوعی دریافت پیشینی از هستی موجودات است و همین معرفت هستی‌شناسانه- یا دریافت پیشین ما از هستی موجودات- است که معرفت موجودشناسانه<sup>۲</sup> از موجودات را مقدر میکند. نزد هایدگر این پرسشها- پرسش از مبانی عینیت<sup>۳</sup> شناخت تجربی<sup>۴</sup>- تجربی<sup>۴</sup>- تماماً پرسشهایی هستی‌شناختی- و نه معرفت‌شناختی<sup>۵</sup>- هستند. از نظر او او بحث از بنیاد شناسایی و آنچه شناسایی ما را میسر میسازد همان هستی‌شناسی است و بهمین دلیل بخش «تحلیل استعلایی»<sup>۶</sup> کتاب کانت- که طبق تفسیر هایدگر، بحث از امکان ذاتی مابعدالطبیعه در معنای هستی‌شناسانه است- از نظر اهمیت بر بخش «دیالکتیک استعلایی»<sup>۷</sup> تقدم دارد.

کانت در کتاب خود (نقد عقل محض) کوشیده است تا اثبات کند که انسان در نسبت با اشیاء دارای یک شناخت پیشینی<sup>۸</sup>- مقدم بر تجربه- است و توسط این شناخت پیشینی، امکان هر نوع شناسایی و تجربه از موجودات فراهم می‌آید. از نظر کانت این شناخت پیشینی محصول تجربه نیست، بلکه خود شرط لازم هر نوع تجربه است و اساساً امکانپذیر شدن تجربه مشروط به همین شناسایی پیش از تجربه میباشد. بحث بر سر ماهیت و منشأ این شناسایی پیش از تجربه، محل اصلی چالش<sup>۲۸</sup> و تقابل تفاسیر شناخت‌شناسانه رایج از فلسفه کانت و تفسیر هستی‌شناسانه هایدگر

1. fundamental ontology
2. ontic
3. objectivity
4. empirical
5. epistemological
6. transcendental analytic
7. transcendental dialectic
8. a priori



از وی میباشد.

در تفسیرهای شناخت‌شناسانه از کانت، این معرفت‌پیشین، متعلق به ساختار ذهن آدمی است، اما هایدگر در تفسیر خود نشان میدهد که «شناخت‌پیشین در کانت همان درک‌پیشین ما از هستی است که بنیان هرگونه شناخت و تجربه از موجودات است».<sup>(۳)</sup>

نزد هایدگر این ادراک‌پیشین از هستی موجودات، محصول ظهور هستی خود شیء است؛ یعنی باید شیئی خود را به ما بنمایاند تا به آن علم حاصل نماییم یا اینکه آن را متعلق تجربه خود قرار دهیم. هایدگر در تفسیر خود از کانت نشان میدهد که به هر تقدیر مواجهه با هستی اجتناب‌ناپذیر بوده و هر نوع شناخت اونتیک (وجودی) - یا تجربی - ناگزیر مبتنی بر شناخت هستی‌شناسانه و ادراک‌پیشینی از هستی است و از اینرو میکوشد تا جنبه‌های گوناگون پدیدارشناختی<sup>۱</sup> را در کتاب اصلی کانت (نقد عقل محض) مشخص نماید. حتی هایدگر یکی از مهمترین آثار تفسیری خود از کانت تفسیر پدیدارشناختی نقد عقل محض کانت را بهمین موضوع اختصاص میدهد و در قسمتی از این کتاب - که یکی از مهمترین و اساسیترین آثار او راجع به تفسیر فلسفه کانت است - در اینباره چنین مینویسد:

روش کانت در کتاب نقد عقل محض عمدتاً مبتنی بر همان امری است که از زمان هوسرل تحت عنوان پدیدارشناسی فهم میشود. بهمین دلیل تنها تفسیر اهداف کانت به ناگزیر باید تفسیر پدیدارشناسانه باشد، حتی اگر این اهداف توسط وی تصریح نشده باشد.<sup>(۴)</sup>

۲۹

### هایدگر و انتقاد از ذهن‌گرایی کانتی

نزد هایدگر علت ناکامی کانت در تحقق هدف اصلی کتاب نقد عقل محض - بنیان نهادن شالوده‌یی برای مابعدالطبیعه - همانا ذهن‌گرایی<sup>۲</sup> است که در ارکان

1. phenomenological
2. subjectivism



سال دوم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۰

تفسیر هایدگر از شمانیز و خیال در فلسفه استعلایی کانت

اندیشه کانت نهفته است.

یکی از اهداف اصلی هایدگر در کتاب وجود و زمان- و در تفسیر وی از کانت- جبران شکاف بین سوژه<sup>۱</sup> (ذهن) و ابژه<sup>۲</sup> (عین) است که میراث دکارت<sup>۳</sup> است. شاید بتوان گفت که هایدگر میکوشد تا در تفسیر خود از کانت، ادراک و فهمی غیر از فهم سوژکتیویستی از انسان و جهان ارائه نماید، زیرا نزد او (هایدگر) همواره در طول تاریخ مابعدالطبیعه دو ساحت مستقل و منفک از هم- قلمرو سوژه (ذهن) و قلمرو ابژه (عین)- شکل گرفته و سپس رفته‌رفته سوژه سیطره خود را بر ابژه توسعه داده و در نهایت واقعیت<sup>۴</sup> معنای خود را بدون اتکا به آگاهی سوژه از دست داده است و بهمین دلیل- سیطره سوژکتیویسم دکارتی- فهم هستی بجای ارجاع به خود هستی بسوی افق آگاهی در سوژه ارجاع میشود، اما تفسیر هایدگر از کانت کاملاً در جهت عکس سوژکتیویسم- یعنی توسعه قلمرو هستی در قلمرو سوژه- است.

هایدگر معتقد است که هرچند کانت با استفاده از نقش قوه خیال<sup>۵</sup> تا حدودی به شناخت هستی‌شناسانه نزدیک شده است، اما بدلیل تأثر از سوژکتیویسم دکارتی هرگز نتوانسته اهمیت قوه خیال را بمثابه کانون شناخت هستی‌شناسانه درک کند. مطابق دیدگاه هایدگر، کانت بعلت تأثیرپذیری از سنت مابعدالطبیعی، دو قوه حس<sup>۶</sup> و فاهمه<sup>۷</sup> را مافوق قوه خیال تصور نموده و اهمیت کانونی و محوری را- بجای قوه خیال- به فاهمه اعطا کرده است.

هایدگر در کتاب کانت و مسئله متافیزیک تفسیر خود را عمدتاً بر مبنای ویرایش نخست کتاب نقد عمل محض بنیان نهاده است، چرا که اعتقاد دارد «کانت در ویرایش نخست این کتاب تا حدودی موفق به کشف اهمیت و نقش قوه خیال در شناخت هستی‌شناسانه میشود، اما در ویرایش دوم، کارکرد بنیادین و مستقل قوه خیال را به کارکرد فاهمه فرو میکاهد».<sup>(۵)</sup>

1. subject
2. object
3. Descartes (1596-1650)
4. reality
5. imagination
6. sensation
7. understanding



سال دوم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۰

از نظر هایدگر ذات انسان در قوه خیال ریشه دارد که در اصطلاح‌شناسی هایدگر همان حیث زمانی<sup>۱</sup> است. او معتقد است که «قوه خیال موجد افق عینیت است و تجربه عینی (ابژکتیو) هرگز بدون این افق امکانپذیر نیست».<sup>(۶)</sup>

باید اذعان کرد که این نوع تفسیر از کانت مورد انتقاد بسیاری از شارحان و مفسران کانت واقع شده است که در رأس آنها ارنست کاسیرر<sup>۲</sup> قرار دارد. کاسیرر در مقاله خود تحت عنوان «کانت و مسئله متافیزیک؛ ملاحظاتی در باب تفسیر هایدگر از کانت» با انتقاد از هایدگر میگوید که «هایدگر در این کتاب مانند کسی است که میکوشد تا نظام کانتی را بخدمت تحقیق، خود درآورد».<sup>(۷)</sup>

یکی از منتقدین کانت نیز- که از منتقدان سرسخت نحوه تفسیر هایدگر از قوه خیال کانت است چنین مینویسد:

زمان و قوه خیالی که هایدگر در نقد عقل محض ارائه میکند حاصل قوه اندیشه خود اوست و نه کانت، چرا که هایدگر زمان علمی فلسفه انتقادی کانت را به حیث زمانی درونی و وجود در اندیشه خود، و قوه خیال خلاق را- که در نظر کانت فقط یک قوه محض نظری تلقی میشد- با اراده عقل عملی یکسان می‌انگارد.<sup>(۸)</sup>

همواره این پرسش مهم وجود دارد که آیا هایدگر در آثار تفسیری خود از کانت- بویژه بحث خیال و شماتیزم به شرح و تفسیر فلسفه کانت پرداخته است؟ و یا اینکه میکوشد در کنار تفسیر دیدگاههای کانت، ایده اصلی خود را تحکیم نموده و باثبات برساند؟

### هایدگر، کانت و مسئله مابعدالطبیعه

۳۱

هایدگر هدف خود از تألیف کتاب *کانت و مسئله متافیزیک* را نوعی تفسیر کتاب *نقد عقل محض* کانت «بعنوان پی‌ریزی یک نوع مابعدالطبیعه جهت تبیین و عرضه مسئله مابعدالطبیعه بعنوان مسئله نوعی هستی‌شناسی بنیادین»<sup>(۹)</sup> میداند.

1. temporality
2. Ernest Cassirer



هایدگر در عین حال معترف است که نحوه تفسیر او از فلسفه کانت بالقوه  
می‌تواند ادله مناسبی جهت انتقاد در اختیار منتقدان قرار دهد، اما با وجود این،  
سخت اعتقاد دارد که تفاسیری از قبیل تفسیر کاسیرر صرفاً نوعی فیلولوژی<sup>۱</sup> (زبان  
شناسی تاریخی) هستند و او در پی برقراری دیالوگ (گفتگو) با کانت است و نه  
صرفاً یک تفسیر فیلولوژیک. او در اینباره چنین مینویسد:

منتقدان مرا بعلت خشونت مستتر در نحوه تفسیرم شامت مینمایند و زمینه  
این شامت پراحتی در این اثر (کانت و مسئله متافیزیک) قابل دسترس است.  
اما گفتگو بین اندیشمندان - در قیاس با روشهای زبان‌شناسی تاریخی - از  
قوانین دیگری تبعیت میکند.<sup>(۱۰)</sup>

در گفتگو بین اندیشمندان طراز اول، هر اندیشمند موقف و نحوه خاص تفکر  
خود را دارد. هرچند کارل یاسپرس<sup>۲</sup> بصراحت اظهار میدارد که «کانت در شأن و  
مرتبه از تمامی شارحان و مفسران خود برتر است»<sup>(۱۱)</sup> اما بهر حال باید هایدگر را  
یک اندیشمند طراز اول و هم شأن کانت در نظر داشت.  
هایدگر جهت نشان دادن تمایز بین گفتگوی اندیشمندان با تفاسیر متداول، به  
منتقدان خود - بویژه کاسیرر - چنین میگوید: «هرچند مفسر جهت استخراج معنا از  
کلمات ممکن است بنوعی خشونت روی آورد، اما نباید این خشونت با یک تفسیر  
من‌عندی یکسان پنداشته شود».<sup>(۱۲)</sup>

هایدگر بصراحت اظهار میدارد که تفسیر او از کانت به موضوعاتی پرداخته است  
۳۲ که هیچیک از فیلسوفان غربی - و هیچیک از تفاسیر موجود - به آنها توجهی نداشته  
است. او در اینباره مینویسد: «این افکار پدیدارشناسانه موضوعاتی را مورد مذاقه قرار  
میدهند که هرچند بظاهر کم‌اهمیت بنظر میرسند ولی در عین حال مسائلی هستند

1. philology  
2. Karl Jaspers (1889-1967)





که تاکنون فلسفه آنها را مورد تأمل قرار نداده است».<sup>(۱۳)</sup>

او معتقد است که روح اصلی فلسفه- یعنی مسئله هستی- با تفسیر وی از کتاب کانت نقد عقل محض آشکار خواهد شد. هایدگر در کتاب تفسیر پدیدارشناسانه نقد عقل محض کانت با ذکر عبارتی از کانت نشان میدهد که «مسیر تفکر یک متفکر میتواند غیر از آن چیزی باشد که خود وی مراد کرده و یا عبارت آن متفکر ابراز میدارد».<sup>(۱۴)</sup>

هایدگر در تمام آثار تفسیری خود از کانت- بویژه دو کتاب مهم کانت و مسئله متافیزیک و تفسیر پدیدارشناسانه نقد عقل محض- مرتباً با رجوع مستقیم به کتاب نقد عقل محض (با مقایسه دقیق و کلمه به کلمه هر دو ویرایش) نقل قول میکند.<sup>(۱۵)</sup>

باید در نهایت به این نتیجه رسید که تفسیر هایدگر از کانت هرگز از نوع تفاسیر متداول نیست بلکه حاصل تضارب آراء و اندیشه‌های بزرگترین آثار فلسفی قرون اخیر- نقد عقل محض و وجود و زمان- و گفتگوی متفاوت مابین کانت و هایدگر است.

### هایدگر و منطق استعلایی کانت

هایدگر بصراحت اعلام میکند که آن قسمت کوچک- یازده صفحه- در بخش «منطق استعلایی»<sup>۱</sup> کتاب نقد عقل محض میتواند نقطه محوری و کانونی فلسفه نظری کانت باشد که عنوان آن «شماتیزم (شاکله‌سازی) مفاهیم محض فاهمه»<sup>۲</sup> است. از نظر او «کانت با طرح مسئله شماتیزم میکوشد نشان دهد که زمان مساوی شهود محضی است که مفاهیم محض فاهمه (یا مقولات)- که از نظر هایدگر همان مفاهیم هستی‌شناسانه هستند- باید بر آن مبتنی باشد».<sup>(۱۶)</sup> این نوع تفسیر از شماتیزم عیناً مطابق با هدف هایدگر در کتاب وجود و زمان است. او در مقدمه این کتاب مینویسد: «هدف موقت ما تفسیر زمان بمثابه افق ممکن هرگونه فهم از هر نوع هستی است».<sup>(۱۷)</sup>

1. transcendental logic

2. The Schematism of Pure Concepts of Understanding



هایدگر در تفسیر خود چنین نتیجه میگیرد که اگر کانت کوشیده است تا زمان را بنیاد تمام مفاهیم محض فاهمه فرض نماید به این خاطر است که هر نوع فهم از هستی صرفاً در افق زمان صورت میگیرد.

از نظر کانت وحدت زمان، شرط ضروری امکان تجربه انسانی است و این وحدت صرفاً محصول عملکرد استعلایی قوه خیال - واسطه و پیوند میان شهود حسی و فاهمه - است، پس قوه خیال با شهود حسی و صورت محض آن - زمان - مرتبط است. هایدگر در تفسیر خود میکوشد اثبات کند که قوه خیال تنها بعنوان امری مرتبط با زمان میتواند وجود داشته باشد و - برخلاف دیدگاه کانت - این قوه در زمان نیست بلکه اساساً خود همان زمانی است که هایدگر آن را «زمان بنیادین» یا «حیث زمانی»<sup>(۱۸)</sup> مینامد.

نکته بسیار مهم دیگر آن است که طبق رأی کانت، هرگونه ارتباط با ایزه در افق زمان و در وحدت زمان صورت میپذیرد و باعتقاد هایدگر ماهیت قوه خیال، قطعاً امری زمانی است و خیال استعلایی همان زمان یا حیث زمانی است.

از نظر کانت بدون وساطت قوه خیال هیچ نوع شناخت و ادراکی میسر نخواهد بود و این سوژه است که واجد هر نوع احساس و ادراک و تجربه است و خود به این ادراکات و آگاهیهای متکثر وحدت اعطا مینماید. این «آگاهی استعلایی»<sup>۱</sup> - یا «من می اندیشم»<sup>۲</sup> - مبنای هر نوع امکانی از اندیشه و تجربه است.

اما این نوع خودآگاهی هرگز نمیتواند محصول حس و فاهمه باشد، زیرا هر نوع شهود حسی و هر نوع تصویری مشروط به وحدت خودآگاهی یا همان آگاهی استعلایی است. پس این وحدت نتیجه حس و فاهمه نیست، بلکه محصول قوه خیال<sup>۳۴</sup> است که دارای دو کارکرد تجربی و استعلایی است.

طبق تفسیر هایدگر تألیف محض قوه خیال خلاق، همان ساحت ذهن است که

1. transcendental consciousness  
2. I think.

در آن شهود و اندیشه وحدت مییابند. از نظر او ذات انسان ریشه در قوه خیال استعلایی دارد که در اصطلاح‌شناسی هایدگر در وجود و زمان به «حیث زمانی» تعبیر میشود.<sup>(۱۹)</sup>

قوه خیال استعلایی در کتاب نقد عقل محض کانت همان واقعیتی است که در کتاب وجود و زمان هایدگر از آن به دازاین<sup>۱</sup>، حیث زمانی (اگزیزتانس)<sup>۲</sup> تعبیر میشود. هایدگر در اهمیت بحث قوه خیال - در نقد عقل محض کانت - معتقد است که اگر انسان تصور کند که این مبحث - قوه خیال - امری اضافی و روانشناسانه<sup>۳</sup> است «صرفاً به کلمات توجه داشته و نسبت به ساحت دازاین انسان نابینا بوده است».<sup>(۲۰)</sup>

از نظر هایدگر قوه خیال افق عینیت (ابژکتیویته) - افق زمان - را پدیدار میسازد و بدون وجود این افق هیچ نوع تجربه عینی (ابژکتیو) میسر نیست و در عین حال نتیجه میگیرد که قوه خیال ریشه مشترک شهود و تفکر است. پس طبق این تفسیر وحدت بنیادین بین شهود و تفکر به این دلیل است که هر دوی آنها از یک ریشه مشترک - قوه خیال استعلایی - نشئت گرفته‌اند.

از نظر هایدگر نقطه کانونی و مسئله اصلی کتاب نقد عقل محض تبیین و توجیه شناسایی «ترکیبی پیشینی»<sup>۴</sup> - یعنی شناختی که خود هرگز حاصل تجربه نیست ولی در عین حال تجربه را ممکن مینماید - است و این نوع شناخت محض - شناخت هستی‌شناسانه - براساس شهود محض - زمان - و اندیشه محض - مقولات فاهمه - شکل میگیرد. قوه خیال وحدت ذاتی میان شهود محض و اندیشه محض - وحدت ذاتی زمان و مقولات - را فراهم می‌آورد و در نتیجه قوه خیال - یعنی ساحت بنیادین ذهن - همان قوه‌یی است که ادراک پیشینی از هستی و مواجهه با جهان را میسر مینماید که در تعبیر هایدگر از آن به معرفت هستی‌شناسانه یاد میشود.

کانت مقولات را مفاهیم محض فاهمه مینامد، اما هایدگر این نامگذاری را درست

1. Dasein
2. existence
3. psychological
4. synthetic a priori



تفسیر هایدگر از شمانیز و خیال در فلسفه استعلایی کانت

نمیداند، زیرا مقولات را حاصل تألیف محض قوه خیال- و نه محصول کارکرد منطقی فاهمه- میداند. از نظر هایدگر، کانت بدرستی نشان داد که ارتباط قوه خیال با زمان، جایگاه و بنیاد مقولات است اما هرگز نتوانست به این بصیرت نایل شود که در «همین تألیف محض مرتبط با زمان قوه خیال است که بنیاد مقولات آشکار میشود».<sup>(۲۱)</sup>

طبق تفسیر هایدگر «علت اساسی مشکل کانت اینجاست که او عناصر شناسایی محض- شهود و اندیشه- را به طور جداگانه و مجزا بررسی مینماید».<sup>(۲۲)</sup> هایدگر برای طرح صحیح موضوع مقولات- برخلاف کانت- نه از فاهمه- بلکه از قوه خیال- بعنوان مبنا و ریشه مشترک شهود و فاهمه- به عنوان تکیه‌گاه اساسی یاد میکند و از نظر او در همین قوه خیال است که شهود و فاهمه اساساً از یک وحدت ماهوی و بنیادین برخوردار میشوند. از نظر هایدگر اگر نقطه عزیمت خود را قوه خیال استعلایی بگیریم در آن صورت با عویصه‌یی که کانت در «استنتاج استعلایی»<sup>۱</sup> با آن مواجه شد- شکاف بین مقولات و شهود حسی- روبرو خواهیم شد. طبق منظر هایدگر با قوه خیال استعلایی امکان ادراک پیشینی از ماهیت موجودات فراهم می‌آید.

هایدگر بارها به نوسان دیدگاه کانت راجع به نسبت میان خیال و فاهمه اشاره میکند، زیرا کانت در عین حال که اعتقاد داشت که خلاقیت زمانی قوه خیال، بنیاد خودآگاهی استعلایی است اما در نهایت نتیجه گرفت که این «قوه فاهمه و خودآگاهی استعلایی- و نه قوه خیال- است که محتوی یک تألیف محض خلاق است».<sup>(۲۳)</sup>

### هایدگر و افق زمان

طبق تفسیر هایدگر از کانت، زمان افقی است که هستی خود را در آن آشکار می‌سازد و ما با اتکای به زمان میتوانیم به صدور احکام تألیفی پیشین مبادرت کنیم. او بشدت اعتقاد دارد که بخش منطق استعلایی در کتاب *نقد عقل محض* بمعنای منطق صوری نیست بلکه عمدتاً ناظر به مباحث هستی‌شناسی است و بویژه «بخش

1. transcendental deduction



شماتیزم مفاهیم محض فاهمه در این بخش - منطق استعلایی - که بین دو بخش تحلیل مفاهیم و تحلیل اصول قرار دارد هرگز منطبق با منطق صوری نیست»<sup>(۲۴)</sup>

نتیجه نهایی تفسیر هایدگر از این بخش مهم کتاب کانت - بخش شماتیزم - این است که امکان صدور احکام ترکیبی پیشین تنها بر اساس ماهیت هستی‌شناسانه مقولات قابل فهم است؛ یعنی مقولات - بمنزله تعینات زمانی مرتبط با قوه خیال محض - امکان ارتباط سوژه و ابژه را فراهم میسازند و آنها (مقولات) هرگز نمیتوانند بمنزله مفاهیم صرفاً متعلق به فاهمه - و منفک از شهود حسی - تلقی شوند.

در این راستا کانت اذعان دارد: «ما دریافته‌ایم که مفاهیم پیشین محض یا مقولات علاوه بر کارکرد فاهمه باید حاوی پاره‌یی شرایط صوری پیشینی حسی - یعنی حاوی شرایط حس درونی یا زمان - نیز باشند»<sup>(۲۵)</sup> پس خود کانت نیز معترف است که مقولات نمیتوانند صرفاً نشانگر کارکرد منطقی فاهمه باشند، بلکه آنها در عین حال حاوی شرایط شهود محض زمان نیز هستند و هایدگر از این اعتراف چنین نتیجه میگیرد که مقولات - از نظر کانت - نه فقط واجد کارکرد صوری و منطقی در صدور احکام هستند بلکه بعلاوه ارتباط با شهود محض - زمان - واجد محتوای واقعی نیز هستند یا عبارتی مقولات، علاوه بر مفاهیمی منطقی، مفاهیمی هستی‌شناسانه نیز هستند.

### نتیجه‌گیری

هایدگر اعتقاد دارد که کانت در مبحث شماتیزم (شاکله‌سازی) کوشیده است تا تألیف محض قوه خیال خلاق را بنحو بنیادیت‌ترین درک کند، چرا که کانت در بحث شماتیزم دیگر به ماهیت محض مقولات نپرداخته است و بجای آن به احکام ترکیبی پیشین و کاربرد مقولات در آنها میپردازد.

۳۷ کانت در بحث شماتیزم دیگر مقولات را صرفاً مفاهیم محض فاهمه نمیداند بلکه نشان میدهد که مقولات صرفاً در صورتی قادر به عملکرد خود هستند که فاهمه نخست یک صورت<sup>۱</sup> محض را - در یک زمان محض - برای مفاهیم خود اخذ نماید. از نظر هایدگر فاهمه تنها در صورتی قادر به عمل است که مرتبط با زمان - شهود

1. image

محض - باشد.<sup>(۲۶)</sup>

هایدگر در تفسیر خود از دو قسمت «حس استعلایی»<sup>۱</sup> و تحلیل استعلایی کتاب نقد عقل محض کانت نشان میدهد که مبحث شماتیزم - یعنی تبیین مقولات بمتابۀ تعینات محض زمانی - و ارتباط مقولات با خلاقیت زمانی قوه خیال، قلب و کانون و محور اصلی این کتاب است و حتی معتقد است که بخش استنتاج استعلایی مقولات نیز مبتنی بر بحث شماتیزم (شاکله‌سازی) است.

با اعتقاد هایدگر و تفسیر او - هر چند کانت چنین استنباطی از مبحث شماتیزم ندارد - «بحث شماتیزم به ارتباط زمان با قوه خیال - یعنی همان ساحتی که مبنای امکان معرفت هستی‌شناسانه است - می‌پردازد».<sup>(۲۷)</sup>

هایدگر در تفسیر خود از کتاب نقد عقل محض کانت میکوشد یک تصویر متفاوت از حقیقت هستی انسان بدست دهد که کاملاً با تصویر سنت رایج مابعدالطبیعی مغایرت دارد. طبق این دیدگاه نحوه هستی انسان هرگز به شهود حسی و یا فاهمه قابل تحویل<sup>۲</sup> نیست، بلکه این نحوه هستی مبنا و بنیان مشترک حس و فاهمه است.

#### پی‌نوشتها:

1. Heidegger, Martin, *Kant and the Problem of Metaphysics*, p. 21.

این اثر ترجمه‌ی است از *Kant und das Problem der Metaphysik* متن آلمانی و اصلی این اثر نیز برای اولین بار در ۱۹۲۹ م. بچاپ رسید.

2. *Ibid.*, p. 3.

3. *Phenomenological Interpretation of Kant's Critique of Pure Reason*, p. 48.

این اثر ترجمه‌ی است از *Phenomenological Interpretation Von Kants Kritik der Reinen Vernunft* که متن سلسله درسه‌های هایدگر در دانشگاه ماربورک در ترم زمستانی ۲۸-۱۹۲۷ م. بوده است. این اثر نخستین بار در سال ۱۹۷۷ - یکسال پس از مرگ هایدگر - به زبان آلمانی و بعنوان جلد بیست و پنجم مجموعه آثار هایدگر منتشر شد.

4. *Ibid.*, p. 49.

5. *Kant and the Problem of Metaphysics*, p. 187.

1. transcendental aesthetic

2. reduction



6. *Ibid.*, translator's introduction, p. XIX.
7. Cassirer, Ernest, *Kant und das Problem of Metaphysics*, Bemer Kunngen zu Martin Heideggers Kant interpretation, *Kantian Studies*, vol. 36, p. 17.
8. Grene, Marjorio, *Martin Heidegger*, Bowes, London, pp. 66-67.
9. *Kant and the Problem of Metaphysics*, p. 3.
10. *Ibid.*, p. XXV.
11. Jaspers, Karl, *Great Philosophers*, Division Kant, Introduction, p. IV.
12. *Kant and the Problem of Metaphysics*, p. 207.
13. *Phenomenological Interpretation*, p.12.
14. *Ibid.*, p. 2.
15. For example cf. *Phenomenological Interpretation*, pp. 115-215.
16. *Kant and the Problem of Metaphysics*, p. 18.
17. Heidegger, Martin, *Being and Time*, p.18.
18. *Phenomenological Interpretation*, pp. 231-232.
19. *Ibid.*, p. 283.
20. *Ibid.*, p. 189.
21. *Ibid.*, p. 206.
22. *Kant and the Problem of Metaphysics*, p. 263.
23. *Phenomenological Interpretation*, p. 286.
24. *Ibid.*, p. 291.
25. Kant, Immanuel, *The Critique of Pure Reason*, tr. by Norman Kemp Smith, A139/ B178.
26. *Phenomenological Interpretation*, p. 292.
27. *Ibid.*, p. 292.

#### منابع:

1. Carr, David, "The Question of the Subject: Heidegger and the Transcendental Tradition", *Human Studies*, USA, vol. 17, No. 2, April 1994.
2. Allison, Henry (1983), *Transcendental Idealism: An Introduction and Defense*, Yale University Press.
3. Ameriks, Karl, *The Critique of Metaphysics: Kant and Traditional Ontology*, in Guyer, Paul (ed.) (1992), *The Cambridge Companion to Kant*, Cambridge University Press.
4. Gardner, Sebastian (1992), *Kant and the Critique of Pure Reason*, Rutledge.
5. Heidegger, Martin (1925-26), *Kant and the Problem of Metaphysics*, translated with Introduction by James S. Churchill, Indiana University Press, 5th Printing, 1975.
6. \_\_\_\_\_ (1927-28), *Phenomenological Interpretation of Kant's Critique of Pure Reason*, translated by Parvis Emad and Kenneth Maly, Indiana University Press, 1997.
7. \_\_\_\_\_ "Kant's Thesis about Being", translated to English by T. Klein and W. Pohl, in *South Western Journal of Philosophy*, USA, vol. 4, (1973).
8. Rescher, Nicholas (2000), *Kant and the Reach of Reason*, Studies in Kant's Theory of

۳۹



سال دوم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۰

تفسیر هایدگر از شمانیز و خیال در فلسفه استعلایی کانت

- Systematization, Cambridge University Press.
9. Smith, Norman Kemp (1962), *A Commentary to Kant's Critique of Pure Reason*, second edition, revised and enlarged, Humanities Press.
  10. Kant, Immanuel, *Critique of Pure Reason*, (first edition) tr. by Norman Kemp Smith, ST Martin Press (INC), Network, 1961 Kant, Immanuel.
  11. \_\_\_\_\_, *Critique of Pure Reason*, (second edition) tr. by Norman Kemp Smith, ST Martin Press (INC), New York, 1961 Kant, Immanuel.
  12. \_\_\_\_\_, *Prolegomena to Future Metaphysics*, tr. by Peter Lucas, Manchester University Press, UK, second impression, 1959.
  13. Edwards, Paul, editor in chief, *The Encyclopedia of Philosophy*, 5 volumes, The Macmillan Company and the Free Press. New York- Collier Macmillan Limited, London, 1967, volume 1.
  14. Weldon, T.D., *Kant's Critique of Pure Reason* Oxford University Press, 1958.
  15. Findlay, J.N., *Kant and the Transcendental Object, A Hermeneutics Study*, Oxford, 1991.
  16. Beck, Lewis, (selected) *Philosophy of Immanuel Kant*, New York, 1976.
  17. Lacey. A.R., *Dictionary of Philosophy* (second edition), London, Rutledge, 1986.
  18. The Rutledge Critical Assessments of Leading philosophers, "Immanuel Kant", the paper the thing in itself and Appearance, the metaphysical Need/ (Volume: 1).
  19. Written by: Friedrich Nietzsche, tr. By: Anthony. M. Ludovici Ibid
  20. The paper: "Mistakes of the Critique", Hans Crone Live, tr. by Humphrey Plamer.
  21. \_\_\_\_\_, volume 2, paper No 14. "Things- in- Themselves", by Lachlan Chipman pp. 263-276.
  22. \_\_\_\_\_, volume 2, "The Complementarity of Phenomena and Things- in- Themselves", by W.H. Werkmeister, pp. 276, 286.
  23. Hume, David, "Enquiries to Human Understanding", Reprinted from the posthumous edition of 1777, by L.A., Seby- Bigge, S.e., 1902, Oxford.
  24. Immanuel, Kant: Critical Assessments of Leading philosophers/ Rutledge, volume. 4 papers: Kant's complex problem of Reflective Judgment, by: A.C.Genova. p. 54-77.
  25. \_\_\_\_\_, vol 4.
  26. Paper: Phenomenality and Materiality in Kant, by: Paul. De man, pp.334-356.
  27. Kant, Immanuel, *Critique of Judgment*, tr. James Creed Meredith, Oxford, 1973.
  28. Kant, Immanuel, *Lectures on Philosophical Theology*, tr. W. Wood and Gertrude Clark, London, Cornell University, 1978.
  29. *A Companion to Heidegger*, edited by Hubert L. Dreyfus and Mark A. Wrathall, Blackwell Companions to Philosophy, 2007. ۴.
  30. Blattner, W.D. (1999), *Heidegger's Temporal Idealism*, Cambridge: Cambridge University Press.
  31. Carman, T. (2003), *Heidegger's Analytic: Interpretation, Discourse and Authenticity in Being and Time*, Cambridge: Cambridge University Press.
  32. Martin Heidegger, *Sein und Zeit*, Max Niemeyer Verlag, Tübingen, 2001.
  33. *The Encyclopedia of Philosophy*, Paul Edwards (editor in chief), New York, 1967, vol. 2.
  34. Findlay, J.N., *Kant and the Transcendental Object: A Hermeneutic Study*, Oxford, 1981.



35. Heidegger, Martin, *Modern Science, Metaphysics, and Mathematics*, Basic Writings By D.F. Krell, Harper & Row, New York.
36. Clarck, T., *Martin Heidegger*, London, 2002.
37. Cooper, D., *Thinker of Our Time: Heidegger*, London, 1996.
38. Ferried, C., *Heidegger et le Problem de kant*, Paris, 2000.
39. Gadamer, H.G., *Heidegger's Way*, trans. G. W. Stanley, State University of New York Press, 1994.
40. Mehta. J. L., *The Philosophy of Martin Heidegger*, New York, 1971.
41. Pattinson, G., *the Later Heidegger*, London, 2000.
42. Philips, P., *Heidegger's Philosophy of Being*, Princeton University Press, 1998.
43. Poggler, O., *Martin Heidegger's Path of Thinking*, trans. D. Magurshak and S. Barber, Atlantic Highlands, N. J., 1987.
44. Richardson, W. J., *Heidegger: Through Phenomeology to Thought*, 3rd ed. The Hague, 1974.
45. Dreyfus, H. and Hall, H. (eds), *Heidegger: A Critical Reader*, Oxford, 1992.
46. Escoubas, E. (ed), *Heidegger, Questions Ouvertes*, Paris, 1988.
47. Scott, C.E., and others, *Companion to Heidegger's Contributions to Philosophy*, Indiana University Press, 2001.
48. Kisiel, T., *The Genesis of Heidegger's Being and Time*, University of California Press, 1993.
49. Guignon, C., *Heidegger and the Problem of Knowledge*, Indianapolis, 1983.

